

نفس اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق



شرایط عادی نیست و مدیران باید نشان دهند که در میدان هستند، نه اینکه از شرایط فعلی برای کم‌کاری استفاده شود. پیش از این مرتضی آقا‌تهرانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، به انتقاد از تعطیلی صحن علنی مجلس پرداخته و اظهار داشته بود: گذشته از کمیسیون فرهنگی و سایر کمیسیون‌ها که فعالند، روسای کمیسیون‌ها و اعضای هیات رئیسه مجلس با مسئولان مختلف، وزرا و ... جلساتی داشته‌اند اما نقدی که به خودمان وارد است و همین‌جا خطاب به آقای قالیباف هم می‌گویم، این است که صحن علنی مجلس شورای اسلامی راه بیاندازید. به کوری چشم دشمنان، آنها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. ما در جنگ دوازده روزه همین کار را کردیم؛ یعنی شاید یکی دو جلسه هم آنلاین و مجازی برگزار شد اما اصلاً صحن را تعطیل نکردیم.

غذایی و بهبود معیشت مردم را پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی بر عهده دارد، هفته گذشته به عادی‌سازی گرانی‌ها پرداخت و گفت‌گروانی‌های قبل از جنگ به خاطر تحریم‌ها بوده و گرانی‌های اخیر هم به خاطر جنگ. همتی راهکار مهار گرانی را هم مقاومت مردم عنوان کرد. بنابراین به نظر می‌رسد تعطیلی طولانی مجلس و عدم حساب‌کشی از تیم اقتصادی دولت سبب ایجاد یک فراغ بال برای آنها شده و نظارت سفت و سخت مجلس بر عملکرد تیم اقتصادی دولت و افزایش تحرک این تیم برای بهبود معیشت مردم ضروری است. در همین زمینه اخیراً هوشنگ هادیان‌پور، نماینده مردم شازند در مجلس شورای اسلامی گفته بود: اینکه برخی وزرا تصور کنند در نبود جلسات علنی مجلس می‌توانند با حداقل پاسخگویی کار را پیش ببرند، قابل قبول نیست. امروز کشور در

موجب نارضایتی مردم شده و کار به جایی رسیده که سران قوا نیز در یک هفته اخیر دستوراتی برای مهار گرانی‌ها صادر کرده‌اند. اما تیم اقتصادی دولت چهاردهم دیدگاه دیگری دارند و از نگاه آنها، بازار کاملاً تحت کنترل است؛ مثلاً نوری قزله وزیر جهاد کشاورزی دولت پزشکیان چند روز پیش اعلام کرد که تورم کالاهای اساسی در حال کاهش است و حتی مدعی شد که گرانی‌های خاصی در بازار مشاهده نشده است. او حتی این ادعا را هم مطرح کرد که گزارش‌های اخیر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی نشان می‌دهد اغلب قیمت‌ها در بازار زیر نرخ‌های ارشادی عرضه می‌شود؛ یعنی به اعتقاد وی، قیمت کالاهای اساسی حتی از رقم مدنظر دولت هم پایین‌تر است. از سوی دیگر عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی دولت چهاردهم که مسئولیت کارگروه امنیت

مجلس شورای اسلامی که آخرین جلسه علنی آن ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ بود، قرار است بعد از ۸۱ روز تعطیلی به علت شرایط جنگی در کشور، امروز جلسه ویدئویی و غیرعلنی برای بررسی گرانی‌ها تشکیل دهد. نمایندگان مجلس قرار است امروز یکشنبه برای بررسی گرانی‌ها یک جلسه آنلاین و غیرعلنی برگزار کنند، یعنی محتوای جلسه برای عموم مردم، آنلاین خواهد بود. این در حالی است که از زمان شروع آتش‌بس بیش از یک ماه می‌گذرد و در این مدت تعداد زیادی از نمایندگان مجلس خواستار تشکیل جلسه آن شده بودند اما هیات رئیسه تاکنون پاسخی به این مطالبات نداده است. جلسه امروز هم علاوه بر اینکه غیرحضوری است، غیرعلنی هم برگزار خواهد شد یعنی مشروح مذاکرات به سمع و نظر مردم نخواهد رسید. این در شرایطی است که موج شدید گرانی‌ها در هفته‌های اخیر

جوایه بانک مرکزی به روزنامه چارسوق

توضیحات چارسوق درباره لعن بی‌ادبانه بانک مرکزی

زده شده که نادرست بودن آنها مشخص است. به این گزاره‌ها در جوابیه بانک مرکزی علیه چارسوق نگاه کنید:

- تخریب انسجام ملی
- القای تفرقه میان نهاد‌های حاکمیتی
- واژه‌گزینی غیر حرفه‌ای و ننگین
- اصرار بر تفرقه
- تسویه حساب سیاسی
- نمایش مغرضانه رسانه‌ای
- ترجمه روایت دشمن
- هدیه به دشمن
- بی‌اعتنائی آشکار به منافع ملی
- تخریب تیم اقتصادی به هر قیمت
- تضعیف باور مردم به وحدت ملی
- نداشتن ذره‌ای غیرت ملی

چارسوق این جوابیه را منتشر می‌کند بر این مبنا که «ادب از که آموختی، از بی‌ادبان». انتقادات چارسوق از عملکرد همتی مبتنی بر اطلاعات و آمارها و عملکرد وی بوده و هیچ‌گاه همتی را با الفاظ غیراخلاقی خطاب قرار نداده‌ایم. ضمناً از آقای عبدالناصر همتی می‌خواهیم که یک بار دیگر انتقاداتی که در زمان دولت سیزدهم به شهید رئیسی می‌کرد را بازخوانی کند و اگر فرصت این کار را ندارد به زودی چارسوق این اقدام را انجام خواهد داد.

است و نه به آرامش خاطر افکار عمومی اهمیت می‌دهد. دغدغه شما روشن است: تخریب یک تیم اقتصادی به هر قیمت، حتی اگر آن قیمت، تضعیف باور مردم به وحدت ملی باشد. نیاز فعلی کشور تاکید بر انسجام ملی و کمک به عبور از بحران است، نه تکرار کودگانه‌ی «یک هیج، دو هیج». اگر ذره‌ای غیرت ملی دارید، دست از این پروژه شوم بردارید و اجازه دهید مدیران اقتصادی کشور در آرامش برای حل مشکلات واقعی مردم تلاش کنند. در غیراین صورت، تاریخ و قانون، شما را در جایگاهی که شایسته‌تان است خواهد نشاناد.

توضیحات چارسوق:

لعن جوایه بانک مرکزی عجیب است و گویا نویسنده از سر خشم آن را نوشته است. پیش از این هم در چارسوق نوشتیم که اولین رسانه‌ای که ادعای اختلاف بانک مرکزی و وزارت اقتصاد را مطرح کرد، اقتصادآنلاین بود که از رسانه‌های حامی عبدالناصر همتی است. همچنین محمدصادق حسینی که از افراد حلقه یک همتی است هم چند بار در صفحات شخصی خود این موضوع را مطرح کرده است. چارسوق صرفاً مطالب اقتصادآنلاین و محمدصادق حسینی را بازنشر داده و بر مبنای آنها مطلبی تهیه کرده است. عجیب است که بانک مرکزی به جای تکذیب مطالب مکرر حامیان همتی، به چارسوق جوابیه می‌دهد. همچنین در جوابیه بانک مرکزی، اتهاماتی به روزنامه چارسوق

از قانون، انتصاب مدیران بانک‌های دولتی که در اختیار وزیر امور اقتصادی و دارایی است، به «نبرد» با بانک مرکزی تبدیل شده است. در مطلب شما به جای احترام به قانون که مشخص می‌کند انتصاب مدیران عامل بانک‌های دولتی در اختیار سهامدار اصلی (وزارت امور اقتصادی و دارایی) است و تایید صلاحیت مدیران بانک‌های دولتی را از وظایف بانک مرکزی برشمرده، از «کنار گذاشتن مهره همتی» و «یک هیج جلوافتادن» سخن می‌گویید. این زبان، زبان تسویه حساب سیاسی است، نه زبان نقد رسانه‌ای.

دوم: پافشاری بردروغ در مصداق بارز تشویش اذهان عمومی ادعای «جدال در بالاترین سطح تیم اقتصادی» مستند نیست. نه وزیر امور اقتصادی و دارایی چنین گفته، نه رئیس کل بانک مرکزی. تنها منبع این نمایش مغرضانه-ی رسانه-ای، رسانه‌هایی مانند شما هستند که از هر دریچه‌ای برای تخریب چهره مدیران اجرایی استفاده می‌کنید. در شرایطی که دشمن خارجی با جنگ ترکیبی به دنبال القای «ازهم‌گسیختگی حاکمیت» است شما با افتخار از «نبرد بی‌حاصل در تیم اقتصادی» می‌نویسید. آیا نمی‌دانید که این جمله دقیقاً ترجمه همان روایت دشمن است؟ این هدیه شما به دشمن در روزهای پس از جنگ رمضان است.

سوم: بی‌اعتنائی آشکار به منافع ملی در برهه حساس کنونی روزنامه «چارسوق» با انتشار این گزارش، نشان داده که هیچ دغدغه‌ای نسبت به منافع ملی ندارد. نه نگران انسجام دولت

باسلام و احترام
روزنامه «چارسوق» در تاریخ شنبه ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ طی گزارشی با عنوان «یک هیج به نفع مدنی زاده» بر ادعای غلط و تفرقه‌انگیز جدال در تیم اقتصادی دولت اصرار کرده است. بر اساس قانون مطبوعات، بانک مرکزی جوابیه زیر را برای درج در نخستین شماره آن روزنامه پس از دریافت با همان اندازه و تیتیر در صفحه اول، ارسال می‌کند:

پافشاری بر تفرقه در شرایط جنگ رمضان

پیش‌تر، روزنامه چارسوق مطالبی با محتوای تفرقه افکنی میان تیم اقتصادی دولت منتشر کرده بود و پس از ارسال جوابیه پیشین بانک مرکزی به آن روزنامه، متأسفانه نه تنها اصلاح رویه صورت نگرفت بلکه در مطلب اخیر با عنوان «یک هیج به نفع مدنی زاده» نیز بر ادعای غلط و تفرقه‌انگیز «جدال در تیم اقتصادی دولت» اصرار ورزیده است. این بار اما قلم شما فراتر از یک تحلیل نادرست، به صراحت در مسیر تخریب انسجام ملی و القای تفرقه میان نهاد‌های حاکمیتی گام برداشته است. در شرایطی که کشور هنوز زخم‌های جنگ تحمیلی رمضان را بر تن دارد شما مهم‌ترین موضوع را «جدال بر سر مهره چینی» و «پیروزی یک هیج به نفع مدنی زاده» توصیف کرده‌اید. این واژه‌گزینی نه فقط غیر حرفه‌ای که ننگین است.

اول: در تکرار یک مغالطه حقوقی و اصرار بر تفرقه با وجود آگاهی



تنگه هرمز در آمریکا بحران انرژی ایجاد کرد

عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی ایران، با تشریح سه سناریوی ممکن برای وضعیت اقتصادی در دوران پسا جنگ گفت: با گذشت ۲ ماه از تجاوز نظامی ائتلاف آمریکایی - صهیونی به خاک ایران، اکنون همه کشورها تحت تأثیر تبعات آن قرار گرفته‌اند به طوری که تنگه هرمز نشان داد که نه فقط کشورها، بلکه کل چرخه انرژی در دنیا و حتی آمریکا را متأثر می‌کند.

کیوان کاشفی با اشاره به آسیب‌هایی که اقتصاد جهانی بابت تجاوز نظامی ائتلاف آمریکایی صهیونیستی به ایران متحمل شده است، اظهار داشت: بسته شدن تنگه هرمز آسیب بسیاری را به مصرف‌کنندگان انرژی به ویژه در اروپا و شرق آسیا وارد کرده است؛ در ابتدا کشورهایی که به نفت خلیج فارس وابستگی دارند و نفت و انرژی مورد نیاز خود را از کشورهای چتر، قطر، عراق، کویت و حتی ایران تهیه می‌کردند، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

وی با بیان اینکه طیف گسترده‌ای از کشورها اعم از چین، کره و ژاپن در شرق و برخی کشورهای اروپایی در غرب در دو ماه اخیر و پس از آغاز جنگ علیه ایران دچار مشکل شده‌اند، افزود: این مشکلات مختص کشورهایی که مستقیم از خاورمیانه نفت و انرژی تهیه می‌کردند، نیست بلکه سایر کشورها نیز اکنون تحت تأثیر افزایش قیمت نفت جهانی هستند.

این فعال اقتصادی تأکید کرد: عملکرد تنگه هرمز تا به این لحظه نشان داده که هرگونه تحول در این نقطه فقط کشورهایی که از آنجا نفت خود را تأمین می‌کنند، اثر ندارد بلکه کل چرخه انرژی دنیا دچار کمبود می‌شود.

کاشفی در این رابطه به قیمت بنزین و گازوئیل در آمریکا اشاره کرد و گفت: در هفته‌های اولیه جنگ، ترامپ معتقد بود که چون آمریکا وابستگی به نفت خلیج فارس ندارد، از افزایش قیمت‌های ناشی از رشد بهای نفت آسیب نمی‌بیند اما اکنون واقعیت این است که همه دنیا از آن تأثیر می‌پذیرند که البته ممکن است در برخی کشورها بیشتر باشد و می‌توان گفت جایگاه تنگه هرمز در اقتصاد جهانی سبب شده تا یکی از اساسی‌ترین مسائل در مذاکرات ایران و آمریکا باشد.

افزایش تنش‌ها به تشدید قیمت‌ها دامن می‌زند

عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که بسته ماندن تنگه هرمز چه آینده‌ای را برای اقتصاد جهانی رقم می‌زند، گفت: اکنون بازار نفت وابسته به تحولات سیاسی است و بر اساس آن حرکت می‌کند به طوری که در اوج جنگ قیمت هر بشکه نفت حتی از ۱۲۰ دلار نیز عبور کرد و در مقابل با کوچک‌ترین کاهش در تردد شناورها در تنگه هرمز نرخ‌ها به تدریج پایین آمد. کاشفی با تأکید بر اینکه هرگونه تنش در خلیج فارس و تنگه هرمز نرخ‌ها را در بازار نفت و انرژی صعودی می‌کند، اظهار داشت: با توجه به تقویت جایگاه ایران به دلیل مقاومت مردم در این جنگ تحمیلی پیش‌بینی می‌کنم که تقویت توان، سایه تحریم‌ها را از سرکشور رفع کرده است.

بازسازی واحدهای آسیب‌دیده از جنگ آغاز شده است

این فعال اقتصادی درباره مهمترین اولویت‌های اقتصادی کشور پس از جنگ اظهار داشت: بسیاری از دستگاه‌ها از هم‌اکنون کار بازسازی را آغاز کرده‌اند و در این رابطه اتاق بازرگانی ایران نیز تحقیقات و بررسی‌های میدانی را آغاز کرده است تا میزان آسیب‌دیدگی واحدهای تولیدی، مدت‌زمان مورد نیاز برای بازسازی و اینکه این آسیب‌ها چقدر در تجدیدهای تولید اثرگذار است، مشخص شود تا بر اساس آن بتوان سیاست‌های تجاری و اقتصادی کشور را تنظیم کرد. کاشفی با تأکید بر اینکه باید در حوزه سیاست‌های پولی و مالی نیز بازنگری‌ها و اولویت‌بندی‌هایی صورت گیرد افزود: باید مشخص شود که کدام واحدها و کدام صنایع در بازسازی اولویت هستند. وی بر این نکته تأکید کرد که اطلاعات گردآوری شده در اتاق ایران با دستگاه‌های دولتی به اشتراک گذاشته می‌شود تا بتوان با تدوین یک راه‌حل مناسب، اقتصاد را به شرایط مطلوب بازگرداند و آثار ناشی از جنگ را به حداقل رساند.

سه سناریو برای دوران پسا جنگ

عضو هیات رئیسه اتاق ایران درباره پیش‌بینی از وضعیت اقتصادی در ماه‌های آینده اظهار داشت: سه سناریو بیشتر نداریم؛ سناریو نخست است که احتمال تحقق آن ضعیف است، این است که بار دیگر شاهد بروز جنگ باشیم؛ این وضعیت به نفع هیچ کس نیست و فقط اوضاع را پیچیده می‌کند و حتی می‌تواند قیمت نفت را در بازارها به بالای ۱۵۰ دلار در هر بشکه برساند.

کاشفی ادامه داد: سناریوی دوم در رابطه با مذاکراتی است که اکنون در حال انجام است؛ اینکه مذاکرات به یک نتیجه قطعی برای حل اختلاف بین ایران و آمریکا برسد و این اختلافات پایان یابد به طوری که سرمایه‌گذاران کشورهای مختلف بتوانند در اقتصاد ایران حضور یابند که نظیر آن را در زمان اجرای برجام شاهد بودیم. وی سناریو سوم را بدترین حالت ممکن یعنی شرایط نه جنگ نه صلح عنوان کرد و گفت: در این صورت تحریم‌ها همچنان وجود خواهد داشت و می‌بایست در شرایط تحریم به بازسازی آسیب‌های ناشی از جنگ بپردازیم.

عضو هیات رئیسه اتاق ایران با بیان اینکه آرامش در اقتصاد جهانی در شرایط نه جنگ نه صلح زمانی ایجاد می‌شود که تنگه هرمز برای تردد کشتی‌ها باز شود، گفت: تا زمانی که این کار انجام نشود، تنش وجود دارد و اقتصاد جهانی نیز متأثر از آن خواهد بود.

کاشفی با تأکید بر اینکه بلا تکلیفی در اقتصاد، تورم و افزایش بیکاری از آسیب‌های ناشی از اقتصاد و تداوم شرایط نه جنگ نه صلح است، گفت: باید تلاطم ناشی از جنگ فروکش کند تا بازارها آرام آرام خود را با شرایط جدید منطبق کنند.



ارزیابی حوزه کشاورزی و منابع طبیعی در بودجه ۱۴۰۵

گزارش

حجت بین‌آبادی

بزه‌شکر حوزه بودجه و مالی

بودجه ۱۴۰۵ کشاورزی با وجود رشد ۵۰ درصدی اعتبارات، همچنان با کاهش سهم از امور اقتصادی و ضعف انطباق با برنامه هفتم پیشرفت روبه‌روست. بخش عمده منابع به هزینه‌های جاری و خرید تضمینی اختصاص یافته و سهم زیرساخت‌های آب و خاک محدود مانده است. در نتیجه، شکاف میان اهداف اعلامی و تخصیص واقعی منابع، نگرانی درباره تحقق امنیت غذایی را افزایش داده است.

بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور در رابطه با ارقام و احکام مرتبط با بخش کشاورزی و منابع طبیعی، تصویری دوگانه را پیش روی ناظران قرار می‌دهد. از یک سو، رشد قابل توجه اعتبارات این بخش نویدبخش توجه بیشتر به امنیت غذایی و زیرساخت‌های تولید است و از سوی دیگر، کاهش سهم آن از امور اقتصادی، حذف برخی احکام کلیدی و عدم انطباق کامل با تکالیف برنامه هفتم پیشرفت، زنگ خطر را برای تحقق اهداف به صدا درآورده است.

مجموع اعتبارات عمومی و اختصاصی دستگاه‌های اجرایی بخش کشاورزی و منابع طبیعی در قانون بودجه ۱۴۰۵ نسبت به مقادیر مصوب سال ۱۴۰۴، از رشد ۵۰ درصدی برخوردار شده است. در این میان، رشد اعتبارات عمومی و اختصاصی به ترتیب ۴۳.۱ و ۸۷.۶ درصد برآورد می‌شود که رقم قابل توجهی است.

با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد سهم «فصل کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری و شکار» از کل اعتبارات «امور اقتصادی» با کاهش ۰.۹ واحد درصدی، به ۱۰.۳۲ درصد رسیده است. این کاهش سهم برای دومین سال پیاپی، تضعیف جایگاه کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی را نشان می‌دهد.

رشد ۳۰.۷ درصدی برای اعتبارات هزینه‌ای فصل کشاورزی (به ۱۲۶۷۶ میلیارد تومان) و رشد ۲۳.۲۱ درصدی برای اعتبارات تملک سرمایه‌ای (به ۲۴۶۰۴ میلیارد تومان) پیش‌بینی شده است. اما نکته قابل تأمل، رشد ۳۹.۴ درصدی اعتبارات هزینه‌ای امور اقتصادی در مقابل رشد

۳۵.۶ درصدی تملک سرمایه‌ای آن است؛ رشد هزینه‌های جاری دولت در بخش اقتصاد که فشار بر بودجه را تشدید می‌کند.

عملکرد دستگاه‌های اجرایی و تمرکز بودجه شرکتی

در میان دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، موسسه رازی و سازمان دامپزشکی کشور به ترتیب با سهم ۱۵.۱۱، ۲۰.۷ و ۱۳ درصدی، بیشترین سهم از اعتبارات هزینه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. در سوی مقابل، در بخش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، وزارت جهاد کشاورزی با ۳۹.۵ درصد، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با ۳۵.۹ درصد و سازمان امور اراضی کشور با ۶.۵ درصد در صدر قرار دارند.

بخش قابل توجهی از بودجه این حوزه به شرکت‌های دولتی مرتبط تعلق دارد. مجموع اعتبارات وزارت جهاد کشاورزی و بودجه شرکت‌های دولتی تابعه در بودجه ۱۴۰۵ به ۵۶۴ هزار میلیارد تومان رسیده که از این مقدار، ۵۴۴ سهم برنامه «ارتقای امنیت غذایی» است. عمده این منابع در قالب بودجه شرکتی و عمدتاً هزینه‌ای پیش‌بینی شده که بیشتر مربوط به خرید تضمینی گندم و تأمین نهاده‌ها است. نکته مهم آنکه برنامه «مدیریت یکپارچه منابع آب، خاک و پوشش گیاهی» با سهمی کمتر از ۳.۳ درصد از کل بودجه وزارتخانه در حاشیه قرار گرفته است.

شکاف عمیق میان بودجه و برنامه هفتم پیشرفت

یکی از چالش‌های اساسی، عدم انطباق کامل بودجه ۱۴۰۵ با تکالیف قانون برنامه هفتم پیشرفت است. به عنوان نمونه، برنامه اجرایی ارتقای امنیت غذایی که بیش از ۹۶ درصد اعتبارات وزارت جهاد را شامل می‌شود، فقط حاوی پنج نامگراست که از این میان فقط نامگرای افزایش ضریب خودتکایی محصولات اساسی کشاورزی و افزایش بهره‌وری در واحد سطح تولید با تکالیف برنامه هفتم همخوانی دارند. اما هدف گذاری کمی برای ضریب خودتکایی به صورت وزنی و بدون تفکیک محصولات اساسی (مانند گندم، جو، برنج، حبوبات، گوشت و شکر به ۹۰ درصد و ذرت و دانه‌های روغنی به ۴۰ درصد) انجام نشده است. همچنین برای تکالیفی همچون کاهش سالانه ۱۰ درصدی محصولات دارای آل آینده‌ها غیرمجاز، افزایش سهم بازار داخلی مرغ لاین آزرین و کاهش ۵ درصدی واردات

روغن و نهاده‌های دامی تا پایان برنامه، هیچ ردیف اعتباری شفاف با هدف کمی مشخص در بودجه دیده نمی‌شود. در حوزه آب و خاک نیز با وجود تکلیف اجرای سالانه ۲۰۰ هزار هکتار آبیاری تحت فشار در برنامه هفتم، اعتبار پیش‌بینی شده برای توسعه روش‌های نوین آبیاری (۳.۲ میلیارد همت) با فرض سهم ۷۰ درصدی دولت، تنها امکان اجرای حدود ۷۰۰۱ هکتار را فراهم می‌کند.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، برای خروج از وضعیت موجود و بهبود کارایی قانون بودجه ۱۴۰۵ در بخش کشاورزی، پنج راهکار سیاستی ذیل پیشنهاد می‌شود. بازتعریف شاخص‌های عملکردی برنامه‌های اجرایی بر اساس سنجه‌های قانون برنامه هفتم؛ باید به جای نامگرای کلی و ناهماهنگ، برای هر محصول راهبردی (گندم، جو، برنج، دانه‌های روغنی و...) هدف خودکفایی مشخص تعیین شود و اعتبارات بر آن مبنا تفکیک شود.

بازگرداندن فروش اموال غیرمنقول مازاد وزارت جهاد کشاورزی در جدول الزامات برنامه هفتم؛ افزایش سهم بودجه شرکتی و تأمین وجود داشت که به موجب آن معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان با نسبت ۸۰ به ۲۰ بین صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی و بانک کشاورزی تخصیص پیدا می‌کرد. متأسفانه این بند در بودجه ۱۴۰۵ حذف شده است. احیای این حکم می‌تواند منجر به گره‌گشایی مشکلات نقدینگی کشاورزان و تقویت سرمایه بانکی شود.

الزام دولت به تأمین سهم مشخص از هزینه‌های طرح‌های آب و خاک؛ پیشنهاد می‌شود سهم دولت در پرداخت هزینه‌های طراحی و اجرای روش‌های نوین آبیاری، حداقل ۵۰ درصد برای اراضی بالای ۳۰ هکتار، ۶۵ درصد برای سایر

اراضی دارای حد نصاب فنی-اقتصادی و ۹۰ درصد برای اراضی خرده‌مالکی (مطابق ماده ۵ قانون افزایش بهره‌وری) تعیین شود. همچنین سهم دولت در یکپارچه‌سازی اراضی نباید کمتر از ۷۰ درصد در نظر گرفته باشد.

اصلاح نظام دریافت عوارض از آب‌چاه‌های کشاورزی؛ باید سهم وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و نیرو از محل عوارض چاه‌های مجاز و جریمه چاه‌های غیرمجاز به صورت مساوی تعیین شود و منابع حاصله صرفاً به طرح‌های آبخیزداری، آبخوان‌داری، احیای قنوتات و هوشمندسازی مصرف آب در همان حوزه آبریز اختصاص پیدا کند. همچنین انکای دولت به این درآمد‌ها باید وفق برنامه هفتم از بین برود و برنامه جامع مدیریت آب‌های زیرزمینی اجرایی شود.

شفاف‌سازی منابع مربوط به هدفمندسازی یارانه‌ها؛ مبلغ ۵۷۲ هزار میلیارد تومان که تحت عنوان مابه‌التفاوت نرخ ارز ترجیحی در جدول مصارف در نظر گرفته شده، عملاً سرمایه بخش کشاورزی است. پیشنهاد می‌شود بخشی از این منابع مستقیماً به طرح‌های حمایت از تولید، توسعه آبیاری تحت فشار و افزایش بهره‌وری آب اختصاص پیدا کند و نه صرفاً به عنوان یارانه مصرف‌کننده نهایی هزینه شود.

در پایان باید اظهار داشت، بودجه ۱۴۰۵ با وجود رشد اسمی اعتبارات، به دلیل کاهش سهم بخش کشاورزی از امور اقتصادی، حذف احکام تأمین مالی ساختاری و عدم انطباق کافی با برنامه هفتم پیشرفت، نیازمند اصلاحات اساسی است. بدون بازنگری در شاخص‌ها، الزامات منابع و نحوه تخصیص یارانه‌ها، تحقق امنیت غذایی پایدار و افزایش بهره‌وری در این بخش دور از انتظار خواهد بود.

شفاف‌سازی منابع

مربوط به هدفمندسازی

یارانه‌ها؛ مبلغ ۵۷۲ هزار

میلیارد تومان که تحت

عنوان مابه‌التفاوت نرخ

ارز ترجیحی در جدول

مصارف در نظر گرفته

شده، عملاً سرمایه

بخش کشاورزی است.

پیشنهاد می‌شود بخشی

از این منابع مستقیماً به

طرح‌های حمایت از تولید،

توسعه آبیاری تحت

فشار و افزایش بهره‌وری

آب اختصاص پیدا کند و

نه صرفاً به عنوان یارانه

مصرف‌کننده نهایی

هزینه شود

ترلیون بی برای تویوتا هزینه داشته است.

۵. فلج شدن بازار خاورمیانه

تویوتا رسماً اعلام کرد که فروش این شرکت در منطقه خاورمیانه در ماه مارس به دلیل اختلال شدید در خطوط کشتیرانی و ارسال محموله‌ها، سقوط آزاد داشته است. توقف تردد در تنگه هرمز عملاً دسترسی این شرکت به یکی از بازارهای کلیدی‌اش را مختل کرده است.

۶. جمع بندی

هشدار تویوتا نشان دهنده آن است که تبعات ناشی از جنگ علیه ایران چطور اکنون به سواحل ژاپن رسیده و صنعت خودروسازی جهان را با بحرانی جدی‌تر روبه‌رو کرده است. کاهش ۲.۲ درصدی ارزش سهام تویوتا پس از این گزارش، نشان از بدبینی عمیق بازار به آینده میان‌مدت این صنعت در سایه جنگ دارد.



۴. تعرفه‌های ترامپ

بر بحران انرژی ناشی از جنگ ایران، با میراث تعرفه‌های دونالد ترامپ نیز دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ تعرفه‌هایی که در سال گذشته ۱.۴

«کنتاکن»، مدیرعامل جدید تویوتا، در حالی هدایت این شرکت را بر عهده گرفته که علاوه

تبعات ناشی از جنگ اکنون به سواحل ژاپن رسیده و صنعت خودروسازی جهان را با بحرانی چندلایه روبه‌رو کرده است.

شرکت تویوتا، بزرگ‌ترین خودروساز جهان، در گزارشی نشان دهنده هشدار داد که تبعات جنگ ایران در سال مالی جاری، هزینه‌ای بالغ بر ۴.۳ میلیارد دلار به این شرکت تحمیل خواهد کرد.

برخی محورهاى این گزارش به این شرح است:

۱. سقوط ۵۰ درصدی سود فصلی

تویوتا روز جمعه گزارش داد که سود فصلی‌اش تقریباً به نصف کاهش یافته است. بر اساس پیش‌بینی‌ها، سود کل سال این شرکت نیز به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور ناشی از جنگ، با افتی ۲۰ درصدی روبه‌رو خواهد شد. این ضعف‌ترین عملکرد تویوتا در سه سال اخیر توصیف شده است.

۲. گرانی مواد اولیه و اختلال در تولید



اولویت پساجنگ؛ احیای اشتغال و جلوگیری از تعدیل کارگران

بازسازی واحدهای تولیدی برای بازگشت کارگران بیکارشده به اشتغال، باید در اولویت باشد.

با عبور مقتدرانه از بحران‌های نظامی اخیر و تثبیت اقتدار ملی، اقتصاد ایران اکنون در آستانه یک فصل نوین و امیدبخش به نام «بازسازی شکوه تولید» قرار گرفته است. هرچند نگاه سنتی، بازسازی را در نوسازی ابنیه و زیرساخت‌ها خلاصه می‌کند، اما رویکرد تازه و هوشمندانه کشور، بر احیای «سرمايه‌های انسانی» و تقویت «امنیت شغلی» در بخش‌های مولد متمرکز شده است. اگرچه جنگ تحمیلی سوم خساراتی را به برخی ظرفیت‌های صنعتی وارد کرد و به طور موقت چرخ تولید را در برخی واحدها گند و منجر به تعدیل ناخواسته بخشی از نیروی کار شد، اما همین چالش، اکنون به فرصتی طلایی برای نوسازی تکنولوژیک و بازگشت پرقدرت‌تر به بازار تبدیل شده است.

امروز مهار آثار بیکاری و بازگشت کارگران به خطوط تولید، نه یک بن‌بست، بلکه به عنوان «موتور پیشران استراتژی اقتصادی دولت» شناخته می‌شود. با تکیه بر اراده ملی و گشایش‌های پساجنگ، برنامه‌ریزی‌های فوری آغاز شده تا با احیای واحدهای آسیب‌دیده، نه تنها کارگران تعدیل‌شده با افتخار به محل کار خود بازگردند، بلکه با ایجاد بسترهای جدید، شاهد شکوفایی بی‌سابقه در بازار کار و جهش تولید ملی باشیم. این مسیر، نودبخش فردایی است که در آن امنیت شغلی کارگر، پایدارتر از هر زمان دیگری، تضمین‌کننده رفاه خانواده‌های ایرانی خواهد بود.

بحران تعدیل نیرو؛ میراث ناخواسته خسارات جنگی

در ماه‌های اخیر، آسیب به واحدهای صنعتی و تولیدی، برخی کارفرمایان را با مشکلات مالی و عملیاتی مواجه کرده است. نتیجه مستقیم این فشارها، خروج اجباری بخشی از نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر از چرخه تولید بود. این بیکاری تحمیلی، فراتر از یک آمار اقتصادی، به معنای لرزان شدن پایه معیشت هزاران خانوار است که پیش از این نیز زیر فشار تورم قرار داشتند.

تغییر پارادایم بازسازی؛ اشتغال در صدر

تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران حوزه بودجه معتقدند که در دوران فعلی، هرگونه بودجه بازسازی باید با پیوست «حفظ اشتغال» تخصیص یابد. بازسازی هوشمندانه یعنی اولویت دادن به آن دسته از واحدهای تولیدی که با هزینه‌ای کمتر، بیشترین تعداد نیروی کار را به خطوط تولید بازمی‌گردانند. در واقع، احیای یک کارخانه آسیب‌دیده، پیش از آنکه نوسازی یک ساختمان باشد، ترمیم یک پیوند اجتماعی و معیشتی است.

گشایش‌های سیاسی و فرصت‌های اقتصادی

پیروزی در عرصه‌های بین‌المللی و تثبیت اقتدار کشور، فضایی را برای گشایش‌های بزرگ در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فراهم کرده است. کاهش ریسک‌های سیاسی، اکنون این فرصت را به دولت و مجلس می‌دهد تا با تمرکز بر منابع داخلی و ثبات ایجاد شده، چالش اشتغال را مدیریت کنند. اما این گشایش‌ها تنها زمانی در زندگی روزمره مردم احساس خواهد شد که «پایداری شغلی» به بازار کار بازگردد.

ضرورت اقدامات حمایتی و قانونی

برای مقابله با موج بیکاری ناشی از جنگ، نیاز به یک بسته حمایتی چندجانبه احساس می‌شود:

- تسهیلات بازگشت به کار: ارائه مشوق به واحدهایی که کارگران تعدیل‌شده خود را دوباره جذب می‌کنند.

- بیمه معیشتی پساجنگ: پوشش حمایتی برای کارگرانی که واحدهای تولیدی آن‌ها تا زمان بازسازی کامل، امکان فعالیت ندارند.

مجید دوستعلی، نماینده مردم کرمان و راور در مجلس، به تشریح اولویت‌های اقتصادی کشور در دوران حساس فعلی و پساجنگ پرداخت. وی با اشاره به اینکه پیروزی در نبرد با آمریکا ورژیم صهیونی می‌تواند گشایش‌های بزرگی در معیشت مردم ایجاد کند، تأکید کرد که در حال حاضر هیچ موضوعی حیاتی‌تر از «سفره و شغل» مردم نیست.

بحران تعدیل نیرو در واحدهای آسیب‌دیده

یکی از جدی‌ترین پیامدهای جنگ اخیر، خسارات وارد شده به زیرساخت‌های تولیدی و صنعتی بوده است. این آسیب‌ها تنها به ابنیه و تجهیزات محدود نمانده، بلکه مستقیماً بده ناکارگی کشور را هدف قرار داده است. در بسیاری از نقاط، تخریب واحدهای تولیدی منجر به توقف خطوط فعالیت و در نتیجه «تعدیل اجباری نیرو» شده است؛ اتفاقی که معیشت هزاران خانواده کارگری را با مخاطره جدی مواجه کرده است.

اولویت بازسازی با نگاه به اشتغال

دوستعلی با اشاره به آسیب‌های جدی بازار کار در شرایط جنگی، خاطرنشان کرد که در فرآیند بازسازی، نباید تنها به فکر نوسازی فیزیکی بود. او تصریح کرد: اولویت باید با پروژه‌هایی باشد که مستقیماً به اشتغال بازگشته و مانع از ریزش بیشتر نیروی کار می‌شوند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس معتقد است که سیاست‌گذاری‌های فعلی باید به گونه‌ای باشد که دامنه آسیب به بازار کار به حداقل برسد. از نگاه این نماینده، احیای فوری واحدهای تولیدی خسارت‌دیده نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است تا از تبدیل شدن چالش‌های اقتصادی به بحران‌های اجتماعی جلوگیری شود.

این گزارش بر این نکته تأکید دارد که هرگونه حرکت در مسیر بازسازی، زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که کارگران تعدیل‌شده، بار دیگر امنیت شغلی خود را بازیافته و آثار پیروزی را در بهبود وضعیت معیشتی خود لمس کنند. پیروزی نهایی در این نبرد بزرگ، فراتر از عرصه‌های نظامی، در تپش دوباره کارهای تولیدی و بازگشت افتخارآمیز کارگران به سنگر اشتغال معنا می‌یابد. شکوه واقعی این ظفر زمانی تکمیل می‌شود که چرخ‌های صنعت با سرعتی مضاعف به گردش درآیند و هر کارگری که در تلاطمات جنگ از فضای تولید فاصله گرفته، با امنیت شغلی پایدار به خطوط تولید بازگردد. امروز، معیشت و رفاه مردم نه تنها یک اولویت، بلکه «قطب‌نمای» تمامی تصمیمات کلان در دوران پساجنگ است. بازسازی در این فصل نوین، فراتر از نوسازی کالبدی و مرمت سازه‌ها، پیوندی عمیق با «جهش اقتصادی» و پایداری سفره مردم دارد. در حقیقت، استراتژیک‌ترین پروژه روی میز دولت و مجلس، «ترمیم امید و تنبلور اطمینان به فردا» در نگاه نیروی کار است؛ چراکه با بازگشت ثبات به زندگی کارگران، پایه‌های اقتدار اقتصادی ایران مستحکم‌تر از همیشه بنا خواهد شد و ثمره شیرین پیروزی در تمام لایه‌های زندگی جامعه جریان خواهد یافت.



ادعای فروپاشی اقتصاد ایران جنگ روانی ترامپ است

گزارش

اگرچه متکی بر حوزه انرژی است، اما با توجه به اینکه آسیب‌پذیری دشمن ما هم از محل زیرساخت‌های انرژی در منطقه بوده، به زیرساخت‌های انرژی کشور نتوانسته آسیب جدی بزند. این کارشناس اقتصادی اظهار داشت: ما در بعضی حوزه‌ها آسیب دیدیم و خساراتی را متحمل شدیم، اگرچه خسارت به ما وارد شده، ولی وابستگی اقتصاد ایران به این صنایع به قدری گسترده نیست که بگوییم اقتصادمان عوض شد یا دچار فروپاشی شده است.

آمریکان توان ممانعت از شکل‌گیری نظم جدید در خلیج فارس را ندارند
رضوی پور اضافه کرد: آمریکا در حال حاضر و در وضعیت موجود توان ممانعت از شکل‌گیری نظم جدید در خاورمیانه و در خلیج فارس را ندارد و اگر این وضعیت استمرار پیدا

بکند ایران می‌تواند مناسبات اقتصادی جدیدی را بر منطقه تحمیل کند؛ از جمله اینکه کشورهای حاشیه خلیج فارس ناگزیر خواهند بود به دور زدن تحریم توسط ایران کمک بکنند. در غیر این صورت خودشان هم مشمول فشارهای اقتصادی ایران قرار خواهند گرفت. این کارشناس اقتصادی با اشاره به مدیریت تنگه هرمز از سوی ایران طی بیش از دو ماه گذشته اظهار داشت: گلوگاه انرژی دنیا در دستان ایران است و این، اعمال هرگونه فشار اقتصادی بر ایران را دشوار و هزینه‌بر برای طرف مقابل خواهد کرد.

وی افزود: این گلوگاه اقتصادی برای کشور درآمدزا خواهد بود و می‌تواند بخشی از جبران غرامت‌های ناشی از جنگ را از این طریق به دشمن متجاوز تحمیل کرد. مجموعه این موارد را کنار هم بگذاریم، به نظر می‌رسد که اگرچه خساراتی به کشور تحمیل شده، ولی چشم‌انداز اقتصادی کشور در صورت پیروزی – که تا اینجا این پیروزی به دست آمده – روشن‌تر از گذشته خواهد بود.

با وجود هزینه‌های اقتصادی جنگ، بخش زیادی از مردم خواهان مقاومت هستند نه تسلیم

رضوی پور در پاسخ به این پرسش که به نظر شما تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر محاصره اقتصادی و دریایی در گرو چه نکاتی خواهد بود؛ بیان کرد: عوامل مختلفی در این زمینه تأثیرگذار است از جمله اینکه گستردگی مرزهای

ایران اجازه برقراری مسیرهای جدید را به کشور می‌دهد. با اینکه راه‌آهن جدیدی که چین از منطقه آسیای میانه به ایران متصل کرد، وضعیت جابجایی گسترده را در حد قابل‌تأملی برای کشور فراهم می‌کند.

این کارشناس اقتصادی در ادامه تصریح کرد: اگر همه این موارد را کنار هم بگذاریم، مهم‌ترین نکته، در واقع انگیزه و رویکرد مردم است؛ کشوری که به یک کشور دیگر تجاوز می‌کند، فرض کنید ۱۰ درصد به آن فشار اقتصادی بیآورد، ممکن است از هم بپاشد. اما آن کشور در موضع دفاع از خودش ۴۰ درصد فشار را هم ببیند، آن ۴۰ درصد به لحاظ اجتماعی برای مردم قابل‌تحمل‌تر است. از این جهت که در موضع دفاع هستند، تحمل هزینه قابل‌تحمل‌تر است و تاب‌آوری بیشتری دارند.

وی افزود: درک این مسئله کنار اینها، به نظر می‌رسد رویکردی که تسلیم در وضعیت فعلی و عقب‌نشینی، هزینه‌های بسیار گزاف‌تری را به کشور تحمیل می‌کند تا استقامت‌کردن و مقاومت، مردم را ترغیب می‌کند تا تاب‌آوری بیشتری از خودشان نشان بدهند.

رضوی پور تأکید کرد: بیان این نکته در شرایطی اهمیت مضاعف می‌یابد که با وجود اینکه هزینه‌های اقتصادی سنگینی به مردم وارد شده، بخش زیادی از مردم خواهان تداوم این مقاومت هستند.

این تحلیلگر اقتصادی گفت: در کنار اینها، به نظر می‌رسد رویکرد خودمسئولان و هم‌زیستی آنها با مردم، هم‌رنگ اقتصادی سنگین به مردم وارد شده، بخش زیادی از مردم خواهان تداوم این مقاومت هستند، می‌تواند خیلی به تقویت روحیه عمومی کمک‌کند و حتی می‌تواند به مردم این انگیزه را

بدهد که در شرایط فعلی می‌توانند بحران‌های اقتصادی پیش‌رو را پشت سر بگذارند.

خسارت واقعی جنگ به آمریکا به مراتب بیشتر از ایران است

رضوی پور در پاسخ به این پرسش که با توجه به اصرار آمریکا برای تداوم محاصره دریایی، چه راهکارهایی پیش‌روی ایران برای متنوع‌سازی مسیر تجارت وجود دارد؟ توضیح داد: دولت آمریکا در روایت رسمی، هزینه جنگ با ایران را ۲۵ میلیارد دلار و در روایت‌های غیررسمی هزینه جنگ را تا ۵۰ میلیارد دلار اعلام می‌کند و در ایران نیز برخی آمارها از هزینه ۲۵ میلیارد دلاری هزینه جنگ حکایت دارد. این تحلیلگر اقتصادی تأکید کرد: البته باید در نظر داشت که خسارات واقعی که از این تجاوز نظامی به آمریکا وارد شد و لطمات اقتصادی که به دنیا، جهان غرب به‌ویژه اروپایی‌ها، جنوب شرق آسیا و سایر کشورها تحمیل شد، بسیار بیشتر از ارقامی است که آمریکایی‌ها اعلام می‌کنند. وی افزود: در کنار هزینه‌های جنگ و تبعات تحمیل شده به خاطر جنگ ایران که بسیار بیشتر از این ارقام است، باید گفت فشار سنگینی که به خاطر این جنگ و تبعات آن به آمریکایی‌ها وارد شده و اعتبار آمریکا را در دنیا زیر سؤال برده است نیز به طور جداگانه قابل بررسی و تأمل است.

محاصره دریایی هزینه گزافی برای آمریکا دارد

رضوی پور اظهار داشت: باید به این نکته توجه کرد که خود تداوم این محاصره هم هزینه بسیار گزافی برای آمریکا دارد؛ عملیات دریایی چند ناوگروه نیروی دریایی آمریکا در منطقه بسیار هزینه‌بر است زیرا تنگه هرمز تنها ۳۳ کیلومتر عرض دارد و کنترل تردد در آن حتی از ساحل هم به‌آسانی انجام می‌شود.

وی افزود: این در حالی است که آبراهی که آمریکایی‌ها مدعی انسداد آن هستند، چند صد کیلومتر وسعت دارد. این مسافت طولانی توسط چند ناوگروه نیروی دریایی ایالات متحده پوشش داده می‌شود که هم امکان دور زدن این مسیر را زیاد می‌کند، هم هزینه سنگینی را به آمریکایی‌ها برای تداوم محاصره تحمیل می‌کند. به نظر می‌رسد تداوم محاصره از لحاظ اقتصادی برای خود آمریکا بیشتر از ایران عزیزمان هزینه‌بر باشد.

این تحلیلگر اقتصادی تصریح کرد: ایران کشوری با مرزهای گسترده است و می‌تواند از مسیر کشورهای همسایه برای ترانزیت و تجارت کالا استفاده کند به طوری که با تسهیل و ایجاد راه‌ها و مسیرهای جدید تجاری می‌توان محاصره دریایی را بی‌اثر کرد.

رضوی پور خواستار تسهیلگری دولت در حوزه توسعه تجارت غیردریایی شد و افزود: اگر این امکان فراهم شود که بتوان به سرعت مسیرهای تجاری جدید را جایگزین مسیرهای قبلی کرد، می‌توان زنجیره‌های ارزشی کالاهای اساسی و استراتژیک را با کمترین مشکل تأمین کرد؛ از این رو وزارتخانه‌های صنعت، معدن، تجارت، جهاد کشاورزی که متولی حـوزه تجارت هستند، همگی باید بسیج شوند تا مسیرهای جدید تجاری کالاهای راهبردی را بلافاصله جایگزین‌سازی

بدهند. این کارشناس اقتصادی در پایان خاطرنشان کرد: ایجاد راه یا مسیر تجاری فقط در وجود زیرساخت راه‌ها و مرزهای زمینی نیست، بلکه تاجری که بتوانیم با او کار بکنیم و ایجاد مسیر برای دسترسی تجاری، نیاز به برنامه‌ریزی منسجم و فوری دارد، نیاز به تسهیل‌گری توسط دولت دارد. وزارت خارجه، سازمان توسعه تجارت و در کل تمام دولت باید الان نقش بسیار فعالی را برای این تسهیل‌گری ایفا بکنند.

”

آمریکادر حال حاضرودر وضعیت موجود توان ممانعت از شکل‌گیری نظم جدید در خاورمیانه و در خلیج فارس را ندارد و اگر این وضعیت استمرار پیدا بکند ایران می‌تواند مناسبات اقتصادی جدیدی را بر منطقه تحمیل کند؛ از جمله اینکه کشورهای حاشیه خلیج فارس ناگزیر خواهند بود به دور زدن تحریم توسط ایران کمک بکنند. در غیر این صورت خودشان هم مشمول فشارهای اقتصادی ایران خواهند شد

توان دولت آمریکا در کنترل بازار نفت به شدت کاهش پیدا می‌کند



این کارشناس ارشد حوزه تولید نفت و گاز گفت: باید به دوئل نفتی ایران و آمریکا توجه کنیم. دولت آمریکا در حال تلاش است که صادرات نفت ایران را با صفر کند و تا الآن، به هیچ‌عنوان نتوانسته است به این هدف دست پیدا کند و ایران با کنترل تنگه هرمز تقریباً بین ۸۰-۱۰ میلیون بشکه نفت در روز را از بازار دنیا حذف کرده است و این به جز اثراتی

در صد در جریان است و حتی این میزان تا حدی بیشتر از قبل است و صادرات نفت کشور نیز، استمرار دارد و اگرچه شرایط فعلی می‌تواند تأثیراتی بر این بخش گذاشته باشد، اما این تأثیرات بسیار زیاد نبوده‌اند و همچنان در حال بازگیری نفت‌کش‌ها و صادرات نفت هستیم.

ذخیره‌سازی نفت ایران به اتمام می‌رسد و تولید نفت صفرمی‌شود و پیش‌تر گفته بودیم که حتماً این زمان را به عقب می‌اندازند و در روزهای گذشته، رسانه‌های غربی این ادعا را نقض کردند و شواهدی را مبنی بر تداوم صادرات نفت ایران صحه گذاشتند و آن بخش از نفت کشور که برای پالایشگاه‌ها تولید می‌شود به صورت

است که بر می‌عانات گازی و اوره و ... دارد.

ملحانی ادامه داد: دولت آمریکا برای جبران بخشی از تأثیرات حذف نفت، از ذخایر استراتژیک خود استفاده می‌کند که این برداشت از ذخایر تا یک جایی پاسخگو خواهد بود و در هفته‌ها و ماه‌های آینده توان دولت آمریکا در کنترل بازار نفت به شدت کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، در این دوئل نفتی آمریکا یک گلوله و ایران ده گلوله دارد و هر قدر می‌گذرد وضعیت برای دزدان دریایی ایالات متحده آمریکا بدتر می‌شود. این کارشناس ارشد حوزه تولید نفت و گاز گفت: در ۵ تا ۶ هفته گذشته، بعد از اینکه وارد سکوهای عرصه نبرد شدیم تلاش‌های بسیار خوبی در حوزه‌های مختلف وزارت نفت در این زمینه شروع شده است برای اینکه قسمت‌های آسیب‌دیده به روال عادی خود برگردند.

ملحانی افزود: در حال حاضر، برای بخشی که نفت تولیدی برای پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها بود هیچ گاهشی نداریم و حتی می‌توان گفت در آن قسمت افزایش هم داریم و حدود نیمی از نفتی که تولید می‌کنیم برای مصرف داخلی است و در حال حاضر، به سمت پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها در حرکت است و حتی تا حدی بیشتر هم شده است و در این خصوص، تلاش‌های بسیار خوبی انجام شده و ان‌شاءالله تداوم دارد تا همه ظرفیت قبل از جنگ برگردد و مشکل خاصی نداشته باشیم.



گندم در تله سیاست گذاری؛ از خودکفایی شکنده تا بحران نقدینگی کشاورزان

سیاست خرید تضمینی گندم که با هدف حمایت از تولید داخلی و تقویت امنیت غذایی طراحی شده، حالا در تقاطع تورم، ناکارآمدی اجرایی و ناهماهنگی سیاسی قرار گرفته؛ وضعیتی که نه فقط کشاورزان را با چالش نقدینگی مواجه کرده، بلکه آینده خودکفایی در این محصول استراتژیک را نیز در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

در سال‌های اخیر، گندم به عنوان یکی از اصلی‌ترین پایه‌های امنیت غذایی کشور، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار داشته است. این در حالی است که محور شعار امسال نیز اقتصاد مقاومتی تعیین شد و در پی آن، رسیدن به خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی کماکان از موضوعات اصلی این اتفاق در نظر گرفته می‌شود.

در این راستا نیز خرید تضمینی محصولات کشاورزی، از جمله گندم نیز انجام شد؛ هرچند اجرای سیاست خرید تضمینی گندم، اگرچه در ظاهر ابزاری برای حمایت از کشاورزان و تنظیم بازار بوده اما در عمل با چالش‌هایی مواجه شده که کارآمدی آن را زیر سؤال برده است. انحصار خرید این محصول در دست دولت، ناخبرهای مزمن در پرداخت مطالبات و شکاف عمیق میان قیمت تضمینی و هزینه‌های واقعی تولید، تنها بخشی از مشکلاتی است که این سیاست را با یک معادله پیچیده تبدیل کرده است.

در شرایطی که اقتصاد ایران با شرایط جنگی، تورم و نوسانات شدید ارزی دست و پنجه نرم می‌کند، تثبیت قیمت خرید تضمینی برای یک بازه یک‌ساله، عملاً منجر به کاهش انگیزه تولیدکنندگان شده و این در حالی است که قانون خرید تضمینی صراحتاً بر لحاظ کردن شاخص‌هایی همچون نرخ تورم، هزینه‌های تولید و قیمت‌های جهانی تأکید دارد اما در عمل، فاصله محسوسی میان این شاخص‌ها و قیمت‌های تعیین شده دیده می‌شود.

خودکفایی؛ هدفی که هر سال دورتر می‌شود

همانطور که گفته شد، خودکفایی در تولید گندم، سال‌هاست به عنوان یکی از اهداف راهبردی اقتصاد کشاورزی کشور مطرح می‌شود. بااین حال، تجربه سال‌های اخیر نشان داده که این هدف بیش از آنکه برپایه یک برنامه‌ریزی پایدار استوار باشد، به متغیرهای ناپایداری همچون شرایط اقلیمی و تصمیمات کوتاه‌مدت سیاستی وابسته است.

در سال ۱۴۰۲، خرید تضمینی گندم به حدود ۱۲ میلیون تن رسید؛ رقمی که امیدها برای دستیابی به خودکفایی را تقویت کرد. اما تنها یک سال بعد، ترکیبی از خشکسالی، کمبود نهاده‌ها و اختلال در تأمین انرژی، تولید را کاهش داد و کشور را بار دیگر به سمت واردات سوق داد. این نوسان نشان می‌دهد که ساختار تولید گندم در ایران همچنان آسیب‌پذیر و وابسته به عوامل خارج از کنترل است.

با بهبود نسبی بارش‌ها در سال جاری، پیش‌بینی‌ها از افزایش تولید تا مرز ۱۳ میلیون تن حکایت دارد. اما سؤال اساسی اینجاست که آیا این افزایش، نتیجه اصلاحات ساختاری است یا صرفاً حاصل یک سال پر بارش؟ تجربه نشان داده که بدون اصلاح سیاست‌های حمایتی و افزایش بهره‌وری، هرگونه رشد تولید، موقتی و ناپایدار خواهد بود. در واقع اگر شرایط محیطی و طبیعی، مطلوب تولید باشد، میزان تولید نیز بالا خواهد بود و اگر شرایط فراهم نشود، تولید نیز کاهش پیدا خواهد کرد.

قیمت‌گذاری دستوری در برابر واقعیت بازار

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست خرید تضمینی، نحوه تعیین قیمت است. در حالی که هزینه‌های تولید به‌طور مستمر تحت تأثیر تورم و افزایش نرخ ارز رشد می‌کند، قیمت خرید تضمینی معمولاً با تأخیر و کمتر از واقعیت‌های اقتصادی تعیین می‌شود. نمونه بارز این مسئله در سال زراعی جاری قابل مشاهده است؛ جایی که قیمت اولیه گندم حدود ۲۹ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شد اما با چش هزینه‌ها و تغییر سیاست‌های ارزی، این نرخ عملاً کارایی خود را از دست داد. در نهایت، بازنگری قیمت و افزایش آن تا حدود ۵۰ هزار تومان، اگرچه تا حدی فاصله را کاهش داد اما همچنان نتوانست رضایت کامل تولیدکنندگان را جلب کند. این شکاف قیمتی، پیامدهای متعددی به همراه دارد. از یک‌سو انگیزه کشاورزان برای افزایش تولید کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، زمینه برای ورود واسطه‌ها و شکل‌گیری بازارهای غیررسمی فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، دولت نه فقط در تحقق اهداف حمایتی خود ناکام می‌ماند، بلکه کنترل بازار را نیز از دست می‌دهد و مجبور به تأمین نیاز بازار از طرق مختلفی نظیر واردات خواهد بود.

بحران نقدینگی و بی‌اعتمادی کشاورزان

بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان، یکی دیگر از جدی‌ترین چالش‌های این بخش تلقی می‌شود. در سال‌های اخیر، وقفه‌های چندماهه در پرداخت بهای گندم تحویل، فشار مضاعفی بر کشاورزان وارد کرده و چرخه تولید را مختل کرده است. کشاورزی، برخلاف بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، به سرمایه در گردش مستمر نیاز دارد. تأخیر در دریافت مطالبات، به معنای ناتوانی در تأمین نهاده‌ها برای فصل بعدی کشت است؛ مسئله‌ای که می‌تواند به کاهش سطح زیرکشت و افت تولید منجر شود. در این میان، طرح‌هایی مانند «خرید اعتباری گندم» که با هدف کاهش فشار نقدینگی طراحی شده‌اند، به دلیل زمان‌بندی نامناسب، نتوانسته‌اند کارآمد باشند. تخصیص اعتبار در زمان برداشت، در حالی که کشاورز نیاز فوری به نقدینگی دارد، عملاً پاسخگوی نیازهای واقعی این بخش نیست. این وضعیت، به تدریج منجر به کاهش اعتماد کشاورزان به سیاست‌های حمایتی دولت شده است؛ بی‌اعتمادی‌ای که می‌تواند در بلندمدت، تبعات جدی برای امنیت غذایی کشور به همراه داشته باشد.

گردهای بنیان در زنجیره تولید

فراتر از مسائل قیمتی و مالی، بخش تولید گندم با چالش‌های ساختاری عمیق‌تری نیز مواجه است. حمله آمریکا و اسرائیل به ایران و زیرساخت‌های مادر، کشور را با چالش‌های مختلفی روبه‌رو کرده است. براین اساس کمبود توزیع نامناسب نهاده‌هایی مانند کود، یکی از این چالش‌هاست که مستقیماً بر عملکرد تولید تأثیر می‌گذارد. تجربه سال جاری نشان داد که حتی با وجود شرایط مناسب بارندگی، اختلال در تأمین به موقع کود می‌تواند ظرفیت تولید را به شدت محدود کند. از سوی دیگر، مسئله تأمین سوخت نیز به یکی از گردهای اساسی این بخش تبدیل شده است. سازوکار فعلی تخصیص سوخت که بر مبنای تعداد ماشین‌آلات به جای سطح زیرکشت طراحی شده، نه فقط کارآمد نیست، بلکه زمینه‌ساز انحراف منابع و حتی سوءاستفاده شده است. اختلاف قابل توجه میان قیمت سوخت پارتانه‌ای و آزاد نیز این مشکل را تشدید کرده و ضرورت اصلاح سیاست‌ها در این حوزه را دوچندان ساخته است.

■ یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ ۲۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۷ ■ ۱۰ May ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۵۶

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۰۶۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ کد پستی: ۱۵۸۶۳۱۴۳۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



آگهی‌های تقلبی بلای جان مستأجران

گزارش

گزارش جدید مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که تورم اجاره مسکن در فروردین امسال به پایین‌ترین سطح چهار سال اخیر رسیده است. تورم اجاره مسکن در فروردین امسال به پایین‌ترین سطح چهار سال اخیر رسیده است. تورم اجاره مسکن در روزهای اخیر نیز همچناند سایر بازارها با نوسانات قیمتی مواجه شده است؛ بازاری که در بخش اجاره، در برخی مناطق با رشد قیمت همراه بوده است.

بررسی‌ها حاکی از آن است که گرچه اقداماتی در راستای ساماندهی این بازار آغاز شده، اما کماکان با چالش‌های ساختاری روبه‌روست که نیازمند اقدامات بیشتری در این زمینه است.

با وجود اینکه هنوز فصل اجاره مسکن آغاز نشده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد قیمت‌های اجاره در برخی مناطق با رشد مواجه شده؛ اما این رشد و تورم قیمتی در مقایسه با سایر بازارها کمتر بوده است.

کمترین نرخ رشد قیمت مربوط به بازار اجاره مسکن

طبق داده‌های گزارش جدید مرکز آمار ایران درباره تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده در فروردین ۱۴۰۵، روند نزولی تورم اجاره مسکن که از شهریور ۱۴۰۳ آغاز شده بود، در نخستین ماه سال جدید نیز ادامه یافت. ضمن اینکه کمترین میزان رشد قیمت در بین ۱۲ گروه از کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کشور در فروردین، به بازار اجاره اختصاص یافت.

اطلاعات گزارش جدید مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در فروردین ماه نه تنها اجاره‌بهای مسکن با فاصله قابل توجهی نسبت به تورم عمومی کمتر بوده، بلکه کمترین میزان رشد قیمت در بین سایر گروه‌های کالاها و خدمات مصرفی خانوارها نیز به این بازار تعلق داشته است.

تورم نقطه به نقطه اجاره مسکن کاهش شد

تورم نقطه‌به‌نقطه شاخص اجاره مسکن خانوارهای کشور در فروردین ماه که نشان‌دهنده تغییرات شاخص اجاره‌بها در این ماه نسبت به فروردین ماه سال قبل است، به کمترین میزان چهار سال اخیر رسیده است. تداوم نزول تورم اجاره، علامتی مثبت و امیدوارکننده برای مجموعه بازار مسکن، به ویژه مستأجران محسوب می‌شود.

تورم ماهانه اجاره ۱.۶ درصد در مقابل تورم عمومی ۵ درصد

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌به‌نقطه شاخص اجاره مسکن در فروردین ماه به سطح ۳۱.۰ درصد رسید. این میزان نه تنها کمترین سطح تورم نقطه‌به‌نقطه اجاره مسکن در چهار سال گذشته است، بلکه با فاصله قابل توجهی از تورم عمومی نقطه‌به‌نقطه ۷۳.۵ درصدی فروردین، کمتر است.

تورم ماهانه شاخص اجاره مسکن نیز در فروردین ۱.۶ درصد گزارش شد که نسبت به تورم عمومی ماهانه ۵ درصدی، با فاصله محسوسی کمتر است. تورم سالانه شاخص اجاره فروردین ۳۳.۷ درصد بوده که این میزان در مورد تورم عمومی، ۵۳.۷ درصد گزارش شده است.

کاهش تورم اجاره هم‌زمان با رشد تسهیلات ودیعه مستأجران

تورم شاخص اجاره مسکن خانوارهای کشور در حالی در نخستین ماه از سال ۱۴۰۵ به مسیر نزولی خود ادامه داد که هیات عالی بانک مرکزی، با پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی مبنی بر افزایش سقف تسهیلات ودیعه مسکن به منظور حمایت از خانوارهای مستأجر، موافقت و مصوبه افزایش سقف کلی و فردی این تسهیلات را ابلاغ کرد.

بر این اساس، سقف کلی تسهیلات ودیعه مسکن مستأجران از ۲۰۰ همت به ۳۰۰ همت افزایش یافت و سقف‌های فردی این تسهیلات نیز به ترتیب در شهر تهران در ۳ میلیارد و ۶۵۰ میلیون ریال (۳۶۵ میلیون تومان)، در مراکز استان‌ها به ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال (۲۸۰ میلیون تومان)، سایر شهرها به ۱ میلیارد و ۸۵۰ میلیون ریال (۱۸۵ میلیون تومان) و در روستاها به ۷۵۰ میلیون ریال (۷۵ میلیون تومان) افزایش یافت. متقاضیان واجد شرایط این تسهیلات پس از ثبت نام و تأیید در سامانه طرح‌های حمایتی مسکن وزارت راه و شهرسازی، جهت دریافت تسهیلات ودیعه مسکن به شبکه بانکی معرفی می‌شوند. سال گذشته این تسهیلات به بیش از ۳۶۶ هزار متقاضی واجد شرایط پرداخت شد.

بسته سیاسی جامع برای کنترل بازار اجاره ضروری است

دولت می‌تواند با اتخاذ یک بسته سیاستی جامع، متشکل از اقدامات کوتاه‌مدت برای کنترل بحران و اقدامات بلندمدت برای ساماندهی بازار مسکن، گام مؤثری در جهت بهبود بازار اجاره مسکن بردارد.

محسن رضایی، کارشناس بازار مسکن، با اشاره به اینکه این دسته از اقدامات با هدف کاهش فشار فوری بر



مشاور املاک

مستأجران و جلوگیری از شوک‌های قیمتی طراحی می‌شود، گفت: «یکی از این اقدامات، ایجاد و تقویت کمیته‌های کنترل اجاره‌بهاست. اگرچه ایده تشکیل کمیته‌ای برای تعیین محدوده نرخ اجاره وجود داشته، اما این کمیته‌ها باید با اختیارات اجرایی قوی‌تری بازتعریف شوند.»

وی افزود: «پیشنهاد می‌شود این کمیته‌ها که متشکل از نمایندگان بخش خصوصی، مجلس، بانک مرکزی و نظام مهندسی هستند، علاوه بر اطلاع‌رسانی، از بسته‌های تشویقی واقعی مانند معافیت‌های مالیاتی پلکانی برای مالکانی که نرخ اجاره را در چارچوب تعیین‌شده (مثلاً حداکثر معادل نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی) افزایش می‌دهند، استفاده کنند.»

رضایی با اشاره به محدودیت موقت در افزایش اجاره‌بها به عنوان یکی دیگر از اقدامات گفت: «در شرایط اضطراری کنونی، دولت می‌تواند با الگوبرداری از برخی کشورها، برای یک دوره دو ساله سقف مجاز افزایش اجاره‌بها را تعیین کند. تجارب اخیر در موارد مشابه نشان داده که تعیین حداکثر ۲ درصد افزایش سالانه برای واحدهای مسکونی، آن هم برای مدت محدود، می‌تواند به عنوان یک اقدام ضد شوک عمل کرده و از کوچک‌سازی اجباری خانوارها جلوگیری کند.»

حسن محتشم، عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان تهران، نیز در خصوص کنترل بازار اجاره‌بها اظهار داشت: «از جمله اقدامات عملی کنترل بازار اجاره‌بها، کاهش نرخ تورم، حفظ ارزش پول ملی و افزایش درآمد خانوار است. چنانچه موارد مذکور تحقق یابد، بازار اجاره‌بها کنترل خواهد شد و به تناسب عرضه و تقاضا خواهد رسید.»

وی بیان کرد: «اجرای سقف اجاره‌بها پیش‌تر نیز در دستور کار گرفت و بر این اساس بسیاری از صاحبان ملک، مطابق با میزان مجاز

مشخص شده، اجاره‌بها را افزایش می‌دهند. نکته مهم در این فرآیند توجه به صاحبان ملک نیز است، چراکه به سبب تورم بازار مسکن، آنان نیز با افزایش هزینه‌ها روبه‌رو هستند.»

عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان تهران خاطرنشان کرد: «افزایش قیمت مسکن ناشی از عوامل متعددی همچون افزایش هزینه ساخت و کاهش ارزش پول ملی است. بنابراین گرانی یک خانه به معنای کسب سود بیشتر نیست و به موازات آن سایر هزینه‌ها نیز افزایش یافته است. در مفهوم کلی، کنترل بازار اجاره‌بها نیازمند اقدامات عملی و برنامه‌ریزی مشخص است و ضرورت دارد مؤلفه‌های مختلف تورمان با یکدیگر به کار گرفته شوند.»

بررسی‌ها حاکی از آن است که بخش عمده‌ای از افزایش قیمت در بازار اجاره مسکن ناشی از آگهی‌های تقلبی در برخی از سامانه‌هاست، به طوری که برخی از دلالت و سوداگران قصد دارند با نزدیک شدن به فصل جابه‌جایی، بازار را ملتهب کنند.

داود بیگی نژاد، نایب‌رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران، با اشاره به اینکه بازار مسکن در شرایط رکود تورمی به سسرمی برد، گفت: «در سال‌های گذشته بخشی از اطلاعات بازار مسکن از طریق سامانه‌هایی که در اختیار مجموعه‌های مرتبط قرار داشت، به شکل منظم استخراج و در اختیار نهادهای تصمیم‌گیر از جمله بانک مرکزی قرار می‌گرفت و این داده‌ها مبنایی برای انتشار آمارهای تحلیلی در حوزه مسکن بود.»

وی با اشاره به اینکه بازار مسکن مانند سایر بازارها تحت تأثیر تورم قرار گرفته و با افزایش قیمت روبه‌روست، اظهار داشت: «افزایش قیمت در این بازار را شاهد هستیم، اما هنوز در مقایسه با سایر بازارها، این بازار با رشد جهشی مواجه نشده است.»

بیگی نژاد با بیان اینکه در سال‌های گذشته شیوه‌های جمع‌آوری و انتشار داده‌های بازار مسکن تغییر کرده است، افزود: «امروز بخشی از قیمت‌گذاری‌ها و تحلیل‌ها در بستری‌های مختلف و حتی فضای مجازی منتشر می‌شود که این موضوع می‌تواند بر نحوه شکل‌گیری انتظارات در بازار اثرگذار باشد و ضرورت دقت بیشتر در ارائه اطلاعات را افزایش می‌دهد.»

نایب‌رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران توضیح داد: «درج آگهی‌های تقلبی و قیمت‌سازی در این بخش باعث شده که قیمت‌ها در این بازار با قیمت‌های واقعی تفاوت داشته باشد.»

وی ادامه داد: «هرگونه عدم شفافیت با فاصله گرفتن از داده‌های رسمی و کارشناسی شده می‌تواند زمینه بروز نوسان در بازارها را فراهم کند و از این جهت، وجود یک سازوکار منسجم برای تبادل اطلاعات میان بخش‌های مختلف اهمیت دارد.»

بیگی نژاد یادآور شد: «در حال حاضر سامانه‌ای وجود ندارد که داده‌ها، مشخصات، تعداد قراردادهای انجام شده و میزان افزایش قیمت را اعلام کند و دو سامانه کاتب و خودنویس هنوز خروجی و داده‌های اعلام نکرده‌اند. از این رو، متأسفانه این آگهی‌های غیرواقعی مرجع قیمت‌گذاری می‌شوند.»

وی تأکید کرد: «این آگهی‌ها نباید ملامت قیمت‌ها باشند و تنها مواردی ملامت قیمت‌گذاری هستند که قرار داد آنها به ثبت رسیده است و در حال حاضر سامانه‌ای این اطلاعات ثبت شده را منتشر نمی‌کند.»

بازار اجاره مسکن در حال حاضر نیازمند تدابیر لازم برای کنترل است. به نظر می‌رسد امسال نیز دولت با نظر گرفتن تعیین نرخ اجاره‌بهای مسکن و کنترل برای رعایت این قیمت، می‌تواند بازار آرامی را برای مستأجران رقم بزند.

افزایش قیمت نفت برای سومین ماه مواد غذایی در جهان را گران کرد

نخل، سویا، آفتابگردان و کلزا بود. قیمت روغن نخل بین‌المللی در ماه آوریل برای پنجمین ماه متوالی افزایش یافت که بیشتر ناشی از تقاضای قوی‌تر پیش‌بینی شده از بخش سوخت‌های زیستی، با حمایت مشوق‌های سیاستی در چندین کشور تولیدکننده و قیمت‌های بالاتر نفت خام بود.

کوبت

شاخص قیمت گوشت فائو در ماه آوریل به رکورد جدیدی رسید و نسبت به ماه مارس ۱.۲ درصد و نسبت به سال قبل ۶.۴ درصد افزایش یافت. قیمت گوشت گاو جهان به اوج جدیدی صعود کرد

عامل دیگر افزایش قیمت

سیستم اطلاعات بازارهای کشاورزی (AMIS) که توسط فائو میزبانی می‌شود نیز روز جمعه گزارش ماهانه خود را منتشر کرد.

بر اساس این گزارش، بازارهای جهانی در ماه آوریل با فشارهای جدیدی روبه‌رو شدند چراکه بسته شدن عملیاتنگه هرمز به حد اختلال در عرضه کود ادامه داد و قیمت‌ها اوره و فسفات را افزایش داد و به‌طور مداوم بر مقرون به صرفه بودن کود تأثیر گذاشت و خطرات را برای تولیدات کشاورزی آینده افزایش داد.



متعاقب جهش قیمت نفت خام و مشتقات آن است.

روغن

شاخص قیمت روغن نباتی فائو نسبت به ماه آوریل ۱.۹ درصد افزایش یافت و به بالاترین مارس ۵.۹ درصد افزایش یافت و به بالاترین سطح خود از جولای ۲۰۲۲ رسید.

این افزایش ناشی از قیمت بالاتر روغن‌های

ذرت و برنج

قیمت ذرت جهانی ۰.۷ درصد افزایش یافت؛ شاخص قیمت برنج فائو (همه انواع) در ماه آوریل ۱.۹ درصد افزایش یافت که ناشی از قیمت‌های بالاتر برنج هندی و برنج معطر بود و منعکس‌کننده افزایش هزینه‌های تولید و بازاریابی در اکثر کشورهای صادرکننده برنج

کمتر از حد متوسط در استرالیا بود اما این افزایش با پیش‌بینی کاهش کشت گندم در سال ۲۰۲۶ (با توجه به روی آوردن کشاورزان به محصولات که نیاز کمتری به کود دارند، در

میان قیمت‌های بالای کود ناشی از افزایش هزینه انرژی و اختلالات مرتبط با بسته شدن تنگه هرمز) بیشتر تقویت شد.